

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگر: سایت فروش رعد

۰۶ جنوری ۲۰۱۹

دو تندیس آزادی "مجید" و "رهبر" را به تیر کین بستند!

۱۴ جدی ۱۳۹۷ ش: ساعت یک بعد از ظهر جمعه به بهانه رونمایی یک جلد کتاب از نوشته های تدوین شده از دو برادر همسر نوشت، زنده یادان "مجید" و "قیوم رهبر" در سالون زیرزمینی "دانشگاه ابن سینا - تالار اسماعیل مبلغ واقع در یکی از پس کوچه های کارته چهار کابل اشغالی گردهمایی برگزار شد. آن طور که از مقدمه این کتاب پیداست، تدوین مقالات این دو فرزند جانباز و برومند خلق در یک مجلد توسط افرادی که ذره ای همسویی و سنجیت ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و در کل مبارزاتی با این دو طلایه دار امر رهائی خلق و یگانه یادگار و شاهکار عملی - مبارزاتی "مجید - رهبر" یعنی "ساما" نداشتند؛ با انگیزه های غیرمبارزاتی و سودجویانه در بازار مکاره حراج ارزش های معنوی در کشور تحت ستم ما، صورت گرفته و یک جا با افرادی که در دشمنی با اندیشه انقلابی مجید شهره آفاق اند؛ با دشمنان سوگند خورده خلق، دشمنان فکری و تاریخی سامائی ها و انقلابیون کشور و با خائنان ملی، مزدوران و جواسیس دستگاه های اطلاعاتی دول مغرض و متجاوز به خرج منابع اشغالگران و زیر بیرق امریکای اشغالگر، از آن "رونمایی" صورت گرفت.

این گونه گرد همائی و با این ترکیب از این دو تندیس آزادی، نه یاددہانی و ارج گذاری از "مجید - رهبر"، که اهانت بزرگ، جفا و خیانت در حق "مجید - رهبر" و در حکم به تیر زهرآگین بستن آن دو سرو تناور آزادی بوده است. ترکیب این محفل خیلی ناجور بود. از هر قماش در آن شرکت داشتند. به رغم قبح حضور خاننای چند در فهرست سخنرانی آن محفل، تعداد جوانان پسر و دختر به ویژه جوانان هموطن هزاره ما بیشتر بودند. شرکت وسیع جوانان نه به خاطر وجهه برگزار کنندگان جلسه، بلکه ناشی از نام آوری "مجید - رهبر" و اشتیاق جوانان شهر برای شنیدن در مورد شخصیت و کارنامه های آنان بود.

این مجلس "رونمایی" از آثار پیشرو و سیکولار این دو فرزانه انقلابی کشور، با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز شد و سپس یکی از تدوین کنندگان و تدوین کنندگان لوکالیست کتاب به نام "جمشید مبارز کلکانی" که با مجید و رهبر صرف وجه مشترک "کلکانی" بودن دارد، نوشته ای از زنده یاد قیوم رهبر "را با عنوان" هدیه "که در اولین سالگرد جاودانگی "مجید" در رثای او نگاشته شد، قرائت کرد که با سکتگی ها و لکنت زبان فراوان، شیوائی جملات و زیبایی اثر و در نتیجه درک آن را توسط حضار، صدمه فراوان زد که حتی برخی ها در اعتراض بدان، محفل را ترک کردند. در ادامه

جوانکی شاکای از "ستم" و فاقد معلومات، سخنان بی ربط چندی گفته و در مورد روابط زنده یاد مجید با "شاکیان ستم" اراجیفی بافت که عاری از حقائق تاریخی بود. متعاقباً "عسکر موسوی" سخنان بی ربطی گفت که اعتراض یکی از حاضران به اسم "سمیع" از اهالی ولسوالی شکرده را برانگیخت و این مزدورک خجولانه و عجولانه با تغییر سوژه، شعری خواند و از پشت میز به دور رفت.

وقتی نوبت به "ننگین سپنتا"ی خائن رسید، او به دلیل درک احتمال برخورد جوانان با حضور ننگینش، زیرکانه و جیونانه در تالار حاضر نشد. قرار شد که از پشت تیلوفون صحبت کند و این بار با "روایتی از برون" پرت و پلائی در مورد این دو شخصیت شخیص بگوید. در این اثناء فردی از میان حاضران برخاسته و در اعتراض به نوبت دادن به این غلام حلقه به گوش امپریالیست های اشغالگر و قاتل المان و امریکا، اعتراض کرد. این فریاد اعتراض با شعار های خشمگین جوانان علیه این دو مزدور "سپنتا" و "موسوی" و اربابان امریکائی - ایرانی شان توأم شد. در برابر این اعتراض، تعدادی از گردانندگان محلی، شورای نظاری - ستمی که مجید برای شان در کنار دزدان تاریخ مطرح است، مجلس را به هم زدند. در نتیجه لاطانات سپنتای خائن ناشنیده ماند و دو مزدور دیگر سرافکنده محفل را ترک کردند و افراد امنیتی تعدادی جوان را با خود بردند و حاضران هم پی کار شان رفتند. در این محفل ضرب المثلی مصداق یافت که "مرتجعان هر سنگی را که بالا بیندازند، عاقبت روی پای خود شام می افتند" و بدین گونه محفل معامله بر سر نام آوری دو سالار پیشتاز و پاکباز رزم تاریخ معاصر افغانستان، پایان پذیرفت.

انگیزه های اولیه تنوین کتاب و راه اندازی معامله گرانه رونمایی از آن و ارائه تصویری تقلیل گرایانه از رهبران جانباز پیشرو "سامای انقلابی و خلق مبارز کشور" مجید "و" رهبر"، در حد "مبارز ضد استبداد سنتی" و گنجاندن این قامت های رسای فراقومی - محلی در جامه تنگ شخصیت های قومی، محلی و تباری در حد پذیرش امپریالیسم اشغالگر، ارتجاع حاکم و تسلیم طلبان؛ انگیزه اصلی تنوین کنندگان و مسؤولان برنامه برای استفاده جونی های تسلیم طلبانه از مردم زادگاه "مجید - رهبر" در آستانه انتخابات سردهسته غلامان امریکای اشغالگر در ارگ کابل در سرطان آینده را، می ساخته است. رد پای تسلیم شده های "باند مرکزیت تسلیم طلب مطرود قبلی" از "ساما"، نیز در مقدمه کتاب و در این محفل آنچنانی، مشهود بود.

گذشته از انگیزه های اولیه غیرمبارزاتی و غیرشریفانه مبتکران این بدعت و برنامه سازان برای ارائه تصویری قومی - محلی از "مجید - رهبر"؛ دعوت چهار تن از قبیل "ننگین سپنتا"، "عسکر موسوی"، "شمس الحق آرین فر" و "غلام محمد محمدی" که هر یکی به گونه ای ملوث به مزدوری درگاه دول مغرض و متجاوز، ارتداد، دشمنی با "اندیشه پیشرو عصر" و خیانت آشکار و نابخشودنی ملی و خدمت به اشغالگران وطن اند؛ بر قیح این محفل افزود.

"ننگین سپنتا"، مدت ها قبل از ارتکاب خیانت ملی اش و امضای سند فروش کشور به امپریالیسم امریکا از مسند دولت مزدور و پوشالی "حامد کرزی"؛ زمانی که به رسالت، به راه و رسم انقلابی و سازمان مربوطه اش پشت کرد، راه ارتداد و منجلاب "لیبرالیسم بورژوائی" را در پیش گرفت و این ارتداد زمینه ای شد برای جذبش توسط سازمان های اطلاعاتی دول اشغالگر غربی. از آن زمان تا حال او آشکارا از موضع ضد انقلابی و از موضع دشمنان تاریخی و قسم خورده خلق ستمکش افغانستان - امپریالیسم - با اندیشه انقلابی "مجید - رهبر"، با علم انقلاب و با آموزه ایجاد دنیای نوین فارغ از امپریالیسم و ارتجاع، فارغ از هر نوع ستم و استثمار آشکارا دشمنی ورزیده است. "ننگین سپنتا"، به عنوان "خائن ملی" خیانت به میهن و مردم و فروش وطن را در کارنامه ننگین و وطنفروشانه اش دارد که تا ابد در جبینش حک خواهد ماند. او به جنبش انقلابی و شخصیت ها و ایده آل های آن پشت و خیانت کرده است. این روپا مکار

نمی تواند با هیچ" روایتی از درون " و " روایتی از برون"، راوی مخلص و امانت دار سرنوشت و داستان دردانگیز این خلق دردمند و نسل های برباد شده پیشگامان انقلابی اش باشد.

"عسکر موسوی در نقش مرد هزار چهره، همزمان کارنامه مزدوری و جاسوسی به درگاه نهاد های اطلاعاتی "جمهوری جنایت" حاکم بر ایران و استخبارات دول امپریالیستی اشغالگر انگلیس و امریکا را با خود دارد. طی حدود ۱۸ سال او در نقش عامل سیاسی - فرهنگی استعمار متجاوز غرب در کنار سائر مزدوران برای جا افتادن سلطه خونین امپریالیسم در کشور زادگاهش قلم و قدم زده است. مزید بر آن او یک جا با " ننگین سپنتا " و قماشهای چند دیگر در "پیمان کابل" دست دوستی و موثدت با خیانت پیشه حرفه ئی و جاسوس شناخته شده" کی جی بی "این قاتل اصلی مجید، و خائن ملی، به قول زنده یاد" رهبر "در" نیروی ذخیره" سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس" محبوب الله کوشانی" در آستانه تشکیل حزب سقط شده" آزادگان" اسیر زیر بیرق اسارت آور امپریالیست های متجاوز امریکا - ناتو و به خرج چهل هزار یوروی ان جی اوی تأمین شده از منبع اشغالگران المانی داد.

فرد سوم به اسم" غلام محمد محمدی" از اهالی پنجشیر، کارنامه مزدوری به روس اشغالگر و خیانت به وطن را در زمره مزدوران و خودفروختگان" خلقی - پرچمی" در قالب" گروه کار" منحل دارد. این فرد پس از شکست روس اشغالگر و تجزیه مزدوران" خلقی - پرچمی"، "گروه کار"ی و "ستمی" اش، به قول زنده یاد" قیوم رهبر"، بر اساس پیوند های خونی - تباری، به اردوگاه ارتجاع قومی - زبانی شوونیست تمامیت خواه و ناسیونالیست و سکتاریست قومی مرکز گریز؛ به پای جلاد و قاتل روشنفکران انقلابی و آزادیخواه و مترقی منجمله سامانی های هموزم مجید و رهبر؛" مسعود" و مسعودیان سجده کرده و تا همین حالا در این خط منحنی تجزیه طلبانه مصروف نفاق افکنی قومی، زبانی و تباری به نفع استعمارگر و اشغالگر است. این مرتجع خودفروخته، تجزیه طلب و تفرقه افکن؛ کتابی نوشته است تحت عنوان" ما افغان نیستیم."

با این ترکیب، با این انگیزه و با این تفکر ارتجاعی، انحرافی و تسلیم طلبانه؛ تعدادی از عناصر مفلس از فرط افلاس سیاسی با جمعی از دلال و بقال و عمله و خدمه فرهنگی - سیاسی امپریالیسم متجاوز، سرکوبگر، غارتگر و قاتل خلق مظلوم افغان زیر بیرق اشاگران و به مصرف نهاد های آنان، ریز سقوی جمع می شوند. این قماش در صدد بوده اند تا به بهانه یاددهانی از "مجید - رهبر" این دو فرزند انقلابی خلق، دو سکاندار کشتی "ساما"، این دو سالار جنبش انقلابی در راه رهیدن از هر نوع ستم؛ شخصیت، کارنامه، جانبازی، و حتی آثار به جا مانده از این دو شخصیت پیشتاز انقلابی و دو مشعلدار انقلابی رزم ضد سوسیال امپریالیستی - امپریالیستی خلق آزادیخواه و سلحشور کشور را وسیله ای برای اغوای خلق، دوستداران" مجید - رهبر" و ابزاری برای کسب اعتبار و مقام در نزد اشغالگران و ارتجاع حاکم ساخته و خود آنان را با تقلیل جوانب فکری، سیاسی شان، در حد شخصیت های بی آزار و مطلوب امپریالیسم و دار و دسته رنگارنگ ارتجاع قومی، زبانی، سمتی، محلی و مذهبی تنزل داده و اندیشه های سیاسی و نام آنان را از هیبت انداخته و راه و سم شان را بی اعتبار سازند.

"مجید - رهبر" به عنوان دو طلایه دار مبارزه ضد استعماری خلق به پا خاسته کشور ما و دو انقلابی متعهد و باورمند به حاکمیت تاریخی زحمتکشانش؛ دارای اندیشه، خط سیاسی، اصول سازمانی و آرمان و اهداف عالی انقلابی بودند. آنان رسیدن به این مأمول را با برداشتن دو مانع بزرگ یعنی امپریالیسم و ارتجاع به نیروی خلق آگاه و متحد و با رهبری انقلابی و به کارگیری سه سلاح خلق، مقدر می دانستند. شخصیت" مجید" و" رهبر" با این اندیشه ها، موازین و آرمان های آزادیخواهانه و انقلابی آذین بسته است. مجید زمانی که کشورش را سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس

اشغال کرد، با بلند کردن شعار " یا مرگ یا آزادی " !در راه آزادی سر داد و رهبر نیز پس از جاودانگی برادر هم‌رزمش، آرمان و سازمان او را ادامه و تکامل داد و تا آخر عمر در این را جانبازی کرد .

در اصول، هر گونه تجلیل از شخصیت های شاخص سیاسی، فرهنگی، از مبارزان و نام آوران ملی و انقلابی کشور، از شخصیت های نامدار انقلابی ضد امپریالیسم و ارتجاع از جمله زنده یادان " مجید - رهبر " در پیوند با ایده ها و ایده آل های شان و در ادامه راه و رسم مبارزاتی شان با مضمون و هدف مبارزاتی و آزادیخواهانه برای روشنگری و الهام گیری از این دو الگوی حماسی پیشرو و ضد امپریالیست برای تنویر جوانان و بسیج خلق در راستای آزادی ملی و اجتماعی، امریست نیکو و ستوده .در شرایط اشغال دوامدار چندین ساله کشور ما در زیر یوغ اسارتبار امپریالیسم اشغالگر و آدمکش، هر نوع تجلیل یا استفاده ابزاری از اعتبار مبارزاتی و جانبازی جانبازان خلق به دور از سنگر آزادی و با انگیزه های غیرمبارزاتی و غیرشریفانه برای اغوای خلق و ساختن کارت اعتباری از نام و نام آوری پیشتازان انقلابی خلق؛ امریست نکوهیده و شایان نکوهش و محکومیت خلق، انقلابیون، آزادیخواهان و تاریخ افغانستان .